سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۶۶ ■ پنجشنبه ■ ۱۰ تیر ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۸ | اذان مغرب ۲۰/۴۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۵ | اذان صبح فردا ۴/۰۷ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۲

سخن روز

پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله: سه چیز است که هر کس نداشته باشد نه از من است و نه از خدای عزّوجلّ. عرض شد: ای رسول خدا! آنها کدامند؟ فرمودند: بردباری که به وسیله آن جهالت نادان را دفع کند، اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند و پارسایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد.
[خصال، ص۱۴۵، ح۱۷۲]

سیدعباس صالحی: استاد حکیمی، دردانه‌ای ناشناخته با آثاری ماندگار

استاد محمدرضا حکیمی دردانه‌ای ناشناخته است، با همه آثار کتبی و انفسی که بیش از نیم قرن از او به یادگار مانده است. این روزها که نفس او در تنگناست، گویا نفس عالمی به تنگ آمده است. خداوندا این مرزبان معارف وحیانی را همچنان پرنفس بدار. آمین یارب العالمین

توئیت وزیر فرهنگ درباره این اندیشمند که بابت ابتلا به بیماری کرونا در بیمارستان بستری شده است

مهم نیست تا چه حد دوروبر کسی شلوغ است و با آدم‌ها در تماس است. بلکه مهم احساسی است که آن شخص از روابطش با دیگران تجربه می‌کند.

فلسفه تنهایی، لارس اسونس
شادی نیک‌رفعت، نشر گمان

نـــگاره

ایمان نوری نجفی

آلودگی پول نقد به انواع ویروس

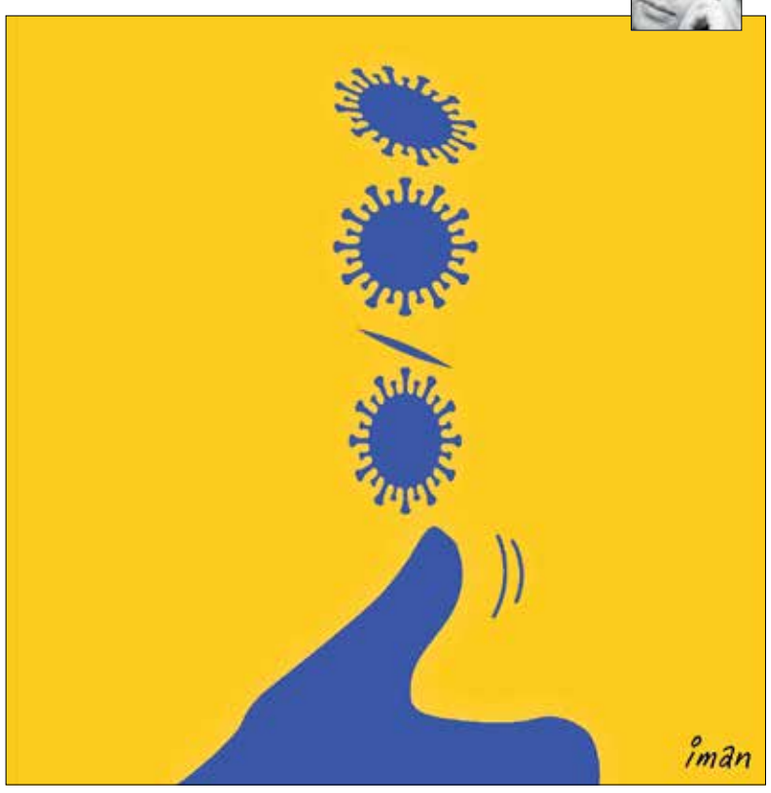

دو اثر ماندگار موسیقی فیلم ایران با همراهی ارکستر ملی ایران نواخته می‌شود

روایت «مادر» برای «دلشدگان»

یادداشت

ارسلان کامکار
آهنگساز و نوازنده

حدود یک ماه پیش بود که از سوی بنیاد رودکی ۱- پیشنهاد شد موسیقی فیلم «مادر» را با ارکستر ملی اجرا کنم. همان‌طور که می‌دانید فضای موسیقی این فیلم کاملاً ایرانی است و ترکیب سازبندی ارکستر ملی با سازهای بادی و زهی است بنابراین با توجه به آنسامبل ایرانی این کار، سازهای زهی و بادی چوبی چون فلوت، ابوا، کلارینت و فاگوت را در تنظیم جدید آن اضافه کرده‌ام که البته استخوانبندی کار همان موسیقی ایرانی است اما با یک ارکستراسیون جدید با ارکستر ملی ایران اجرا می‌شود.

۲- از دیدگاه من آهنگسازانی که در ژانر موسیقی ایرانی فعالیت می‌کنند قطعاً شناخت بیشتر و بهتری روی آثار خود دارند و بر این اساس اگر توانایی انجام آن را داشته باشند می‌توانند رهبری کار را هم برعهده بگیرند، البته اینکه ارکستر ملی ایران یک رهبر ثابت ندارد به اعتقاد من نقیصه‌ای است که باید برطرف شود چرا که بر این باورم ارکستر ملی بایستی در کنار رهبران میهمان خود، رهبر دائم هم داشته باشد. البته اگر برنامه‌ریزی‌های ارکستر دقیق و درست باشد رهبران میهمان هم می‌توانند این مسئولیت را برعهده بگیرند. خوشبختانه شرایط حال حاضر ارکستر ملی ایران خوب و مناسب است و کیفیت سازها هم همچنان اما همچنان تأکید دارم برای سراپا بودن ارکستر نیاز است یک رهبر دائم حضور داشته باشد تا تمرینات ارکستر و اجراهای آن متوقف نشود.

۳- اگرچه ارکستر ملی ایران دارای یک شورای هنری است و این موضوع می‌تواند اتفاق خوبی باشد اما برای حال مشکلات ارکستر کفایت نمی‌کند چرا که موسیقی مملکت ما شرایط خوبی ندارد. به نظر شما آیا یک شورای هنری می‌تواند برای ارکستر بودجه تهیه کند؟ قطعاً خیر؛ بنابراین مسئولان ابتدا بایستی در اندیشه حمایت از نوازندگان ارکستر باشند، همچنین رهبران و آهنگسازانی را که دعوت می‌کند هم مورد حمایت قرار بدهند. البته این موضوعات را سال‌های سال است بیان می‌کنیم اما اتفاقی نیفتاده و خروجی نداشته است. حقوقی که نوازندگان ارکستر دریافت می‌کنند فقط در حد یک رفت و آمد با تاکسی است و حق این نوازندگان است که بدون دغدغه و با آرامش خاطر به تمرینات ارکستر بیایند اما دریافتی آنها کافی نیست، حالا فکر کنید کرونا هم مزید بر علت شده و این موضوع موجب شده هنرمندان شرایط مالی خوبی نداشته باشند و قطعاً این موضوع بر دیگر فعالیت‌های آنها نیز تأثیر خواهد داشت و اوضاع موسیقی روز به روز بدتر خواهد شد.

۴- معتقدم استفاده کردن از آثار آهنگسازان ایرانی می‌تواند اتفاق خوبی باشد و پیشنهاد می‌کنم این کار به‌صورت یک فراخوان انجام بگیرد تا نسل جوان آهنگساز کشورمان فرصت حضور در ارکستر و ارائه کارهای خود را داشته باشند و نباید این فرصت تنها به آهنگسازان شناخته شده اختصاص یابد. بهتر است رهبران ارکستر از آثار آهنگسازان جوان بهره ببرند تا هم ایده‌های نو به ارکستر وارد شود و هم موجب تشویق و انگیزه جوانان باشند و با این اتفاق قطعاً حرکتی تازه در آهنگسازی شکل می‌گیرد چرا که ممکن است افرادی باشند که ذوق بسیاری در چنین کارهایی دارند اما حمایتی نیست ولی اگر ارکستر این آثار را اجرا کند موجب تشویق آنها خواهد شد و به عقیده من این موضوع بایستی به‌طور جدی پیگیری شود.

۵- درخصوص بخش نخست برنامه ارکستر ملی که اجرای موسیقی فیلم «دلشدگان» اثر ماندگار و ارزنده استاد حسین علیزاده است باید بگویم رهبری این اثر ماندگار باعث افتخار بنده است اما چون این کار، آنسامبل ایرانی است معمولاً با یک سرگروه اجرا می‌شود و حضور رهبر ارکستر چندان الزامی نیست.

کندوکاو درونی با هنر

هنر و روان

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

هنر و انسان جزو جدایی‌ناپذیر یکدیگرند . با کمی پژوهش در این حوزه می‌توان به این مهم دست یافت که از همان ابتدای پیدایش انسان، هنر همواره با او بوده و انسان توانسته با به کارگیری انواع هنر، به کشفیات بسیار ارزشمندی در حوزه روابط فردی و اجتماعی و درک مفهومی جهان و هستی و موجودات از خود به جای بگذارد.

در ابتدا می‌پردازیم به اینکه:انسان در عین اجتماعی بودن دارای بعد فردی نیز است. در بعد فردی و فردیت هر انسان دارای خلوت و تنهایی منحصر به خودش است که در این خلوت گاهی شادی، گاهی غم، گاهی سکوت و گاهی چالش با خود را تجربه می‌کند.

افرادی که به سوی یکی از انواع و اشکال هنر گرایش پیدا می‌کنند، در وهله اول از همان ابتدا و شاید قبل از پیدایش بیرونی اثر هنری در درون خود به کندوکاو می‌پردازند، یعنی جنبه فردی و فردیت خود انسانی‌شان بیشتر مورد توجه شان قرار می‌گیرد. حال اگر این بعد از وجود را بها داده و به آن بپردازند می‌توانند به نوعی اشتیاق و خلاقیت در آفرینش اثر هنری برسند که خود خلق اثر هنری در ذات وجودی‌اش نوعی رهایی و سبکبالی خالقش را به نمایش می‌گذارد. این اثر هنری آفریده شده می‌تواند زبان متفاوتی برای بیان احساسات، افکار و نوعی دیگر از برقراری ارتباط خالقش با افراد دیگر باشد.

انسان در ذات وجودی خویش و به‌دلیل بعد اجتماعی‌اش نیازمند داشتن ارتباط با دیگران است. هنر نیز به خاطر ماهیت خود می‌تواند ارتباط فرد با خود و اجتماع اش را به گونه‌ای خاص برقرار نماید، بدین معنی که هنر می‌تواند یکی از علت‌های مهم و متفاوت باشد که فرد به درون خود توجه بیشتری کند که در نتیجه به علاقه‌مندی، سلیقه و گرایش‌های هنری خویش که شاید به دست فراموشی سپرده شده و در ضمیر ناخودآگاهش پنهان کرده، دست یابد. این مرحله یکی از دستاوردهای هنر است که فرد از راه کنکاش درون خود به نوعی دوستی و ارتباط با خویش دست می‌یابد.

پس از این مرحله فرد با پیگیری علاقه‌مندی‌اش به اشکال مختلف هنری وارد مرحله ای از زندگی می‌شود که به واسطه آن روزها و لحظه‌های متفاوتی را تجربه می‌کند که از آن به بعد نوع دیگری از رابطه‌ها، احساسات، ابراز وجود، اعتماد به نفس، عزت نفس و استقلال شخصیتی و اجتماعی را برای خود به ارمغان می‌آورد.

در یادداشت‌های بعدی به‌صورت جداگانه و مفصل به ارتباط هنر و انسان از ابعاد مختلف هنر و اثر آن بر روان فرد و کارکردهای اجتماعی پرداخته می‌شود. همچنین درخصوص رابطه هنر با آسیب‌های اجتماعی و اثر آن بر پیشگیری و التیام دردهای اجتماعی نیز مطالب بیشتری به اشتراک گذاشته می‌شود.

پیشنهادی برای علاقه‌مندان عرفان و طرفداران رمان

پیشنهاد

امیرعباس ربیعی
کارگردان

در چند روز گذشته مشغول خواندن کتاب «گاهِ ناچیزیِ مرگ» بوده‌ام. رمانی تاریخی نوشته محمدحسن علوان، نویسنده اهل عربستان. کتاب در مورد ابوبکر، محمد بن علی، معروف به ابن عربی و مشهور به محی‌الدین، شیخ اکبر و ابن افلاطون، یکی از عارفان نامی جهان اسلام است که اگر اَندک آشنایی‌ای از تاریخ عرفان و تصوف داشته باشید حتماً اسمش را شنیده‌اید. او یکی از پرحاشیه‌ترین و جنجال‌برانگیزترین صوفیان در تاریخ عرفان و تصوف است و هر دو دسته شیعه وسنی سعی کرده‌اند او را به خود منتسب کنند.

برویم سراغ رمان. محمدحسن علوان سفری به رویمان می‌گشاید. سفری از غرب تا شرق جهان اسلام. از اندلس تا آذربایجان. رمان «گاهِ ناچیزیِ مرگ» زندگینامه‌ای است خیالی از شخصیتی نام‌آشنا. اما در محدوده مستندات و روایاتِ مکتوب نمی‌ماند. نمی‌خواهد ما را با نقاط عطف معمول تاریخی خسته کند. علوان در این رمان با تکیه بر کتاب ابن عربی به نام «فتوحات مکیه»، اثری آفریده که از این محدوده خارج می‌شود و با توصیفاتی زنده و پرقدرت در کوچه پس کوچه‌های حلب و بغداد، قاهره و سویل پرسه می‌زند.

شخصیتش فرازمینی و دست‌نیافتنی نیست با اینکه دچار جذبه می‌شود و الهامات و کشفیاتی دارد اما همچنان مانند هر انسانی اشتباه می‌کند. پشیمان می‌شود و شکست می‌خورد و باز هم می‌ایستد تا به مسیرش ادامه دهد. مسیری که سراسر سرگردانی است و شخصیتی که سراسر در پی حقیقت است. حقیقتی که جز در قلب خود نمی‌یابد. حقیقتی که چیزی جز عشق نیست.

علوان در ساختار رمان هم دست به خلاقیتی زده که جذابیتش را دو چندان می‌کند. او با روایت‌های موازی در خلال بدنه اصلی داستان، سفری دیگر هم آغاز می‌کند. او در این روایت‌ها سیر نسخه خطی خودنوشت ابن عربی را از زمان مرگش تا سال ۲۰۱۶ قرن به قرن و سرزمین به سرزمین نشان‌مان می‌دهد. که این نسخه چه ماجراهایی دیده و چگونه در کتابخانه‌های دربارها و مزارها و قبه‌ها و بارگاه‌ها دست به دست گشته است. اگر چه وجود چنین نسخه خطی‌ای زاییده ذهن نویسنده است اما چنان با قدرت و پرخون به کلام درآمده که ما باور می‌کنیم و با آن در این تاریخ تو در تویش همراه می‌شویم.

در آخر پیشنهاد می‌کنم اگر هیچ آشنایی یا حتی علاقه‌ای به عرفان و تصوف ندارید یا حتی اسم ابن عربی را نشنیده‌اید، باز هم فرصت خواندن یک رمان جذاب و خواندنی را از دست ندهید. رمانی که الحق ترجمه گیرایی دارد. ترجمه‌ای از امیرحسین الهیاری.

یادداشتی بر مجموعه شعر «رد پا بر لبه تیغ»* سروده «حمیدرضا شکارسری»

رد پای روشن

یادداشت

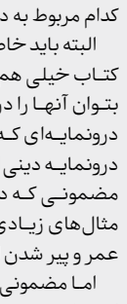

فاطمه گیلانی
منتقد

«رد پا بر لبه تیغ» نام مجموعه دیگری است از «حمیدرضا شکارسری» که ۱۴۳ شعر سپید کوتاه در آن گردآوری شده است.

بنابر آنچه که در اکثر کتاب شعرهای این شاعر به چشم می‌خورد، شعرهای این کتاب نیز دارای ساخت و فرمی مشخص است که در این فرم مضامین مختلف، شعرها را شکل داده‌اند.

آب/ رد پای کشتی را/ زود از یاد می‌برد

آلبوم پر از رد پای اوست/ اما هرگز در آن قدم نزده است/ عکاس

این سنگ را بگیر و بیا!/ این سنگ‌ها رد پای ماست/ تا فلسطین

همین سه شعر کافی است تا گواهی دهند که شعرها با یک ساختار هم‌شکل ولی با مضامین متفاوت به وجود آمده‌اند و شاعر با مهارت توانسته است تصاویری بیافریند که «رد پا» را تداعی می‌کند اما رد پاهایی که هر کدام مربوط به درونمایه‌هایی متفاوت است.

البته باید خاطرنشان کرد که مضامین شعرهای این کتاب خیلی هم متنوع و از هر دستی نیستند و شاید بتوان آنها را در چند عنوان دسته‌بندی کرد. اولین درونمایه‌ای که بیشتر از دیگران جلب توجه می‌کند درونمایه دینی است. علاوه بر مضمون دینی، دیگر مضمونی که در این مجموعه پرتکرار است و شاهد مثال‌های زیادی برایش می‌توان یافت درونمایه گذر عمر و پیر شدن است.

اما مضمونی که از دیگر مضامین پرتکرارتر است و از جمله موتیف‌هایی است که در اشعار «شکارسری» بسیار دیده می‌شود مضمون جنگ و هر آن چیزی است که به این حوزه برمی‌گردد اعم از صلح، سرباز، جانباز و....

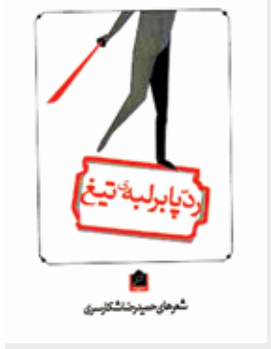

حال این سؤال پیش می‌آید که ساختار به کار رفته در این کتاب چه کمکی به این مضامین کرده است؟ اگر بار دیگر همین شعرهایی را که در بالا ذکر شد بررسی کنیم، خواهیم دید که چقدر جنبه تصویری و بصری آنها قوی است! یک یک آنها را می‌توان تجسم کرد و هر کدام گویی رد پایی یا اثری از خود به جا می‌گذارند که قابل رؤیت هستند.

«شکارسری» شاعری نیست که به دنبال پیچیده‌گویی باشد و یا صنایعی را به کار ببرد که شعرش را دیریاب کند. او ساده‌گویی را برمی‌گزیند اما آنچه شعرهای کوتاهش را از هایکو جدا می‌کند تخیلی است که او به کار می‌برد و حاصل کشف اوست. او در رابطه یک مشبه و مشبه به، یک وجه شبه می‌یابد. به‌طور مثال شعر پنجاه و هشت:

دره‌های عمیق/ رد پای رودهای پیر

در همین دو سطر هم مشبه حضور دارد (دره‌های عمیق) و هم مشبه به (ردپای رودها) .

در این شعر گرچه شاعر از تشبیه برای مخیل کردن شعر استفاده نکرده است اما جمله «تو راه خودت را برو» علاوه بر ارائه تصویر راه خود را رفتن، معنای دیگری را هم به صورت کنایی در بردارد. از اینکه شاعر چطور از ساختار در تبیین درونمایه استفاده کرده است و نیز اینکه چطور مخاطب را در چند سطر شگفت‌زده و وادار به تأمل می‌کند می‌توان پی برد که او شاعر چیره‌دست و ماهری است. حتی اگر نامی از او همراه شعرها نباشد زبان ساده آنها خود گویاست که ردپای چه کسی هستند؟

* رد پا بر لبه تیغ- حمیدرضا شکارسری- نشر شانی- چاپ دوم ۱۴۰۰

هشتگ

#سیستان_و_بلوچستان

در میان اخباری که درباره شیوع موج پنجم کرونا منتشر می‌شود، اخبار مربوط به استان سیستان و بلوچستان بسیار ناراحت‌کننده است. آمار بالای مبتلایان و فوتی‌های کرونا و ضعف سیستم درمانی در این استان مشکلات زیادی برای مردم ایجاد کرده و استان محروم کشور روزهای سختی را می‌گذراند. کاربرانی که اهل این استان هستند تلاش می‌کنند با نوشتن آنچه در سیستان و بلوچستان می‌گذرد توجه مردم و مسئولان را جلب کنند و بسیاری از کاربران شهرهای دیگر هم با آنها همراه شده اند: «دیروز تو کلاب‌هاوس یه اتاقی بود پزشک‌ها در مورد این جهش دلتای کرونا صحبت می‌کردند. دکتر حمید سوری که اپیدمیولوژیست و استاد دانشگاه شهید بهشتی بود می‌گفت در هرمزگان و سیستان و بلوچستان پدیده غالب شده و احتمالاً و طبق پیش‌بینی‌ها هفته اول مرداد تهران رو هم فرا بگیره.»، «در سیستان و بلوچستان هر ۷۵ دقیقه، یک‌نفر بر اثر بیماری کرونا فوت می‌کند!»، «کرونا رنگ سیاه به خود گرفته و شمار قربانیانش در سیستان و بلوچستان روز به روز بیشتر می‌شود. روستاها و حاشیه شهرها که دسترسی مطلوبی به امکانات پزشکی و بهداشتی ندارند جامعه قربانی خاموش کرونا را تشکیل می‌دهند. فراموش نکنیم که بیشترین آمار کودک و نوجوان کشور در این استان است و با گسترش پاندمی و ترکیبش در عدم دسترسی پایدار به آب و زیرسازهای بهداشتی به راحتی فاجعه‌ای انسانی شکل خواهد گرفت.»، «سرعت لاک‌پشتی واکسیناسیون کرونا در استان همانند سرعت لاک پشتی اینترنت در استان است... مسئولان علوم پزشکی خواهشاً روند واکسیناسیون کرونا در استان را افزایش دهید. فاجعه انسانی در راه سیستان و بلوچستان»، «زاهدان خیلی اوضاعش خرابه. خیلیا ماسک نمیزنن چون اعتقادی ندارن. خیلی از جاها هنوز بازه چون مشکلات مالی وحشتناکی داره اینجا»، «کرونا در سیستان و بلوچستان جولان می‌دهد، ظرفیت بیمارستان‌ها و پزشکی قانونی به انتهای خود رسیده است»، «چه عجب واقعاً. امروز و فردا ادارات سیستان و بلوچستان تعطیل کردن. حالا چرا چون خیلی‌خیلی اوضاع کرونا خرابه. مردم این استان واقعاً تنهان.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

کنکور چطور بود؟

ماجرا

دیروز اولین روز برگزاری کنکور ۱۴۰۰ بود. رقابت سختی که هر سال حتی کسانی را که قرار نیست آزمون بدهند درگیر می‌کند. در شبکه‌های اجتماعی در کنار آرزوی موفقیت برای کنکوری‌ها خیلی‌ها از خاطرات زمان کنکور خودشان می‌نوشتند و خیلی‌ها هم به این مسأله که کنکور و قبولی در آن چه نقشی در زندگی دارد می‌پرداختند: «اگه برای کنکورتون استرس دارید، لطفاً نداشته باشید. من خودم فردا کنکور ندارم ولی بازم استرس دارم، خود کلمه کنکور استرس ایجاد میکنه»، «من به عنوان رتبه ۳۰۰ کنکور هیچی نشدم و رفیقم با رتبه ۶۰ هزار الان اپتیما زیر پاشه. پس درس همه چیز نیست.»، «بهترین دلداری فقط وقتی که صبح می‌خواستم برم سر جلسه کنکور؛ شوهرعمه‌ام زنگ زد گفت اصلاً نگران نباش امسال قبولم نشدی میمونی یه سال بعد»، «اگه فکر می‌کنید امسال سال شما نیست، الان اصلاً وقت جا زدن نیست. خیلی از ما اون زمانی موفق می‌شیم که اصلاً انتظارش رو نداریم. این آزمونم آخر دنیا و هدفاتون نیست ولی بهترین خودتون رو ارائه بدید»، «دختر یکی از دکترامون پارسال توی کنکور تجربی رتبه سه رقمی آورد ولی رفت رشته طراحی دوخت. مادرش فوق نازایی و پدرش فوق خون. به مامانش گفت من میخوام از زندگیم لذت ببرم. نمی‌خوام مثل شما دو تا همه‌اش استرس و حرص و جوش کارمو داشته باشم»: به‌نظرم به‌جای اینکه هر سال با نفرات برتر کنکور مصاحبه کنن برن با نفرات برتر کنکور چهار سال قبلش مصاحبه کنن ببینن مثلاً اونا الان چه شخص خاصی شدن»، «یعنی الان بیسکویتاشونو خوردن؟»، «امروز همین که کنکور نداریم خوشبخت محسوب می‌شیم.»، «سختی‌های کنکور یه طرف و حرفای فامیل و آشنا یه طرف. برای من روز قبل کنکور همه زنگ زدن که مثلاً بهم انرژی بدن ولی بدتر فشار رو روم بیشتر کردن. یا بعد کنکور موقع اعلام نتایج همه هی به مامانم زنگ میزدن که چیکار کرد دخترت؟ واقعاً عذاب آوره»، «عزیزای دلم خیلی خلاصه بهتون بگم کنکور اولین و آخرین راه سعادت شما نیست. کنکور ضامن سعادت هیچ‌کس نیست نه قبولی نه رد شدنش. در پناه خدا تو همه کنکورهای زندگیتون موفق باشید»، «ببینید از الان دارم بهتون میگم بعد از کنکور از کنکوری‌هاتون نپرسید چطور بود؟! چند میشی؟! شاید کنکوری‌ها لبخند بزنن اما تو دلشون خوب بهتون بد و بیراه می‌گن»، «اگر پدر ثروتمندی ندارید و از نظر مالی حمایت نمی‌شید لازمه بگم کنکور و درس خوندن هنوز بهترین و در دسترس‌ترین راه و دارای بیشترین احتمال رسیدن به موفقیت‌های بزرگه. کافیه فقط درست و از رو علاقه‌تون انتخاب رشته کنید.»، «رفیقاتو نمی‌خواد تو سفر بشناسی. قبل و بعد کنکور بهترین وقته.»

عکس نوشت

ساعات پایانی سه‌شنبه به برپایی مراسمی برای اختتامیه جشنواره شعر و ترانه «همه برای ایران» گذشت، آن هم با ردپایی از آیین‌های برخاسته از فرهنگ کهن سرزمین‌مان، رقص محلی. رقص‌های فولکلور ایرانی ریشه در آیین‌ها و سنن اقوام مختلف دارند و هر کدام گویای میراثی ماندگارند./ ایلنا